



آوار شعار «کوچک سازی دولت» بر سر کارگران صنایع مادر کشور «ذوب آهن» نماد صنعتی شدن ایران، خصوصی می شود

دسترنج ۴

جمعه، تهران و واشنگتن وارد مهم ترین ۶۰ روز دیپلماتیک سال های اخیر خود می شوند؛

## جنگ و صلح در ایستگاه ژنو

جمعه در ژنویکی از مهم ترین اسناد سیاسی سال های اخیر میان ایران و آمریکا احتمالاً امضا خواهد شد؛ سسندی که به گفته مقام های دو طرف قرار است به جنگ پایان دهد، تنگه هر مز را باز گشایی کند و مسیر مذاکرات تازه ای را هموار کند. اما بر خلاف بسیاری از توافق های تاریخی، آن چه در سوئیس امضا می شود نه توافق نهایی بلکه چار چوبی برای ورود به مرحله ای دشوار تر است؛ مرحله ای که در آن پرونده هسته ای، تحریم ها، هرمز، لبنان، اسرائیل و حتی آینده نظم امنیتی خاورمیانه دوباره روی میز قرار خواهند گرفت و به همین دلیل شاید مهم ترین پرسش درباره ژنونه این باشد که روز جمعه چه اتفاقی رخ می دهد، بلکه این باشد که از صبح شنبه چه روندی آغاز خواهد شد؟ وقتی نیم اسفند آتش جنگ شعله ور شد، کمتر کسی تصور می کرد تنها چند ماه بعد تهران و واشنگتن در آستانه امضای یک تفاهم سیاسی قرار بگیرند. در هفته های نخست، فضای منطقه به سمت یک رویایی گسسته رده حرکت می کرد. حملات متقابل ادامه داشت، پایگاه های نظامی در حالت آماده باش گرفته بودند و بازار های جهانی انرژی یکی از پرنش ترین دوره های خود را تجربه

می کردند. در همان روزها بسیاری از تحلیلگران از خطر گسترش جنگ به سراسر خلیج فارس سخن می گفتند. قیمت نفت جهش کرد، بیم اختلال در تنگه هرمز افزایش یافت و حتی برخی دولت های منطقه سناریوهای اضطراری برای صادرات انرژی را روی میز گذاشتند. اما در پشت صحنه، مسیر دیگری نیز در حال شکل گیری بود. عمان بسار دیگر نقش سنتی خود را به عنوان میانجی فعال کرد. قطر وارد بازی می شد. پاکستان نیز به تدریج به یکی از بازیگران اصلی روند میانجیگری تبدیل شد. تماس های متعدد میان مقام های منطقه ای و بین المللی آغاز شد و در نهایت مجموعه ای از مذاکرات غیر علنی شکل گرفت که اکنون به ژنورسیده است. در این مسیر، جنگ تنها یک تقابل نظامی نبود؛ بلکه به از مونی برای سنجش قدرت بازدارندگی، ظرفیت دیپلماسی و میزان تحمل طرف ها تبدیل شد. اکنون پس از حدود صد روز، همان بازیگران در نقطه ای ایستاده اند که به جای بحث درباره ادامه جنگ، درباره چار چوب صلح گفت و گو می کنند. بر اساس روایت های منتشر شده، بخش مهمی از تفاهم پیش از مراسم رسمی مورد تأیید سیاسی طرفین قرار گرفته است...

سیاست ۲

باعبور ۳ نفت کش از محاصره دریایی:

## ایران صادرات نفت خود را از سر گرفت

چرکه ۳

احتمال پایان جنگ ایران، بر اختلافات حزبی و بی اعتمادی علیه ترامپ دامن زد؛

آمریکاروی گسل نزاع بر سر «توافق»

جهان ۵



«بابک وفایی» در تحلیل عقب نشینی خودرواز پیک قیمتی ماه گذشته:

## احتمال توافق آتی بازار خودرو را ریزشی کرد

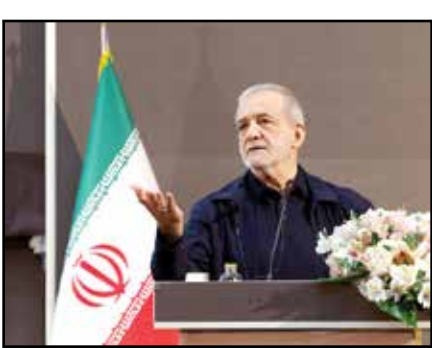


چرکه ۳

گزارش

پزشکیان،

### دولت مأموریت خود در حوزه سلامت را متوقف نمی کند



وی در ادامه با اشاره به ضرورت اتخاذ نگاه جامع به سلامت، خاطر نشان کرد: بخش قابل توجهی از گزارش های ارائه شده بر ابعاد سلامت جسمی متمرکز است، در حالی که مؤلفه های سلامت روان و اجتماعی کمتر مورد توجه قرار گرفته اند. بی توجهی به این ابعاد آسیب های گسترده ای را متوجه سلامت جامعه کرده است. از این رو، توسعه به نامه های سلامت روان و ارتقای تاب آوری اجتماعی باید به عنوان یکی از اولویت های نظام سلامت منظر قرار گیرد.

رئیس جمهور همچنین بر ضرورت پررنگی از رویکردهای سیاسی و جناحی در حوزه سلامت تأکید کرد و گفت: حل مسایل سلامت نیازمند نگاه انسانی، علمی و فراگیر است و ظرفیت همه شهروندان، فارغ از تفاوت های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، باید در تحقق این اهداف جذب و بکار گرفته شود.

پزشکیان در تشریح الزامات اجرای الگوی مشارکت محله محور در حوزه سلامت اظهار داشت: نخستین گام در اجرای این برنامه، تهیه نقشه عملیاتی و اطلس سلامت مناطق و محلات است. لازم است وضعیت موجود، ظرفیت ها، نقاط قوت، چالش ها و نیاز های هر منطقه به صورت

دقیق احصا و تحلیل شود تا بر مبنای آن، ساختاری عادلانه و متناسب با شرایط هر محله برای ارائه خدمات طراحی گردد.

وی افزود: پس از شناسایی مسایل و اولویت های هر محله، باید ظرفیت دستگاه های اجرایی، نهادهای مدنی، سازمان های مردم نهاد و تشکل های اجتماعی به صورت شبکه ای و هماهنگ در خدمت حل مسایل قرار گیرد. هر چه دامنه مشارکت ذی نفعان گسترده تر باشد، توان نظام حکمرانی در حل مسایل اجتماعی و ارتقای شاخص های سلامت افزایش خواهد یافت.

پزشکیان با اشاره به اجرای آزمایشی این الگودر چند منطقه منتخب، تصریح کرد: این طرح ابتدا به صورت آزمایشی اجرا خواهد شد تا نقاط قوت و ضعف آن شناسایی و اصلاح شود و سپس به تدریج در سایر مناطق و محلات کشور توسعه یابد.

رئیس جمهور یکی از الزامات موفقیت این برنامه را تقویت سراهای محلات دانست و گفت: سراهای محلات می توانند به عنوان کانون های اصلی مشارکت اجتماعی و آموزش سلامت یابی نقش کنند. همچنین ضروری است دانشجویان علوم پزشکی در کنار آموزش های بیمارستانی، آموزش های میدانی و جامعه محور را نیز تجربه کنند و در فرآیند ارتقای سلامت محلات نقش فعال داشته باشند.

وی با اشاره به الگوی فعلی آموزش علوم پزشکی افزود: در حالی که بیش از ۹۰ درصد خدمات پزشکی در سطح سرپایی ارائه می شود و تنها بخش محدودی از بیماران نیازمند بستری هستند، بخش عمده آموزش دانشجویان در محیط های بیمارستانی متمرکز شده است. این در حالی است که آموزش جامعه محور و آشنایی با مسایل سلامت در بستر واقعی زندگی مردم باید سهم بیشتری در نظام آموزش پزشکی داشته باشد.

رئیس جمهور در بخش دیگری از سخنان خود، درباره برخی موانع احتمالی اجرای طرح از جمله تفاوت نگرش ها و شرایط اجتماعی در محلات مختلف اظهار داشت: مبنای این برنامه، تحقق عدالت اجتماعی و عدالت در سلامت است. هر گاه بر چم عدالت و خدمت رسانی عادلانه در محلات برافراشته شود، زمینه هر امری عمومی فراهم خواهد شد و موانع اجرایی نیز کاهش می یابد.

گزارش

هشدار رسمی وزارت کشور به ساختار حکمرانی؛

### سقوط سرمایه اجتماعی و گسترش بی افقی

«احساس عدالت» بسیار تعیین کننده تر از خود عدالت عینی است؛ چرا که وقتی اکثریت مطلق جامعه خود را شهروند درجه دو احساس کنند، پیوند عاطفی و اخلاقی شان با ساختار حکمرانی سست می شود. اما نکته پنهان و معنادار در سخنان معاون وزیر کشور، جایجایی تکیه گاه سرمایه اجتماعی است. داده ها نشان می دهند که کاهش اعتماد عمومی در سطح کلان (اعتماد به نظام حکمرانی)، مردم به سطح خرد پنهان برده اند؛ یعنی میزان اعتماد و پیوند میان خانواده ها، دوستان و نهادهای محلی افزایش یافته است. جامعه در مواجهه با نقص های ساختاری، به یک خود تنظیمی درونی روی آورده و از حمایت های عاطفی و مالی یکدیگر بهره می گیرد. افزایش شاخص تعلق اجتماعی به ۶۴ درصد و افتخار ۷۶ درصدی مردم به ایرانی بودن خود (حتی پس از چالش هایی، چون جنگ رمضان)، نشان می دهد که «جامعه ایرانی» همچنان زنده، منسجم و عاطف و شاعرانگ است؛ اما این ثروت ارزشمند به دلیل احساس تبعیض ساختاری، راهی به سمت نهادهای رسمی پیدامی کند.

مطالبه تحولات کلان و ضرورت نشینند صدای مخالفان

ریشه کلان بحران ناامیدی و فرسایش سرمایه اجتماعی را باید در پهنه سیاست گذاری های کلان جستجو کرد. یافته های خرداد ۱۴۰۵ نشان می دهد که جامعه دیگر بسا رفتار های سطحی و تغییرات جزئی اقتناع نمی شود؛ چرا که ۷۰ درصد مردم معتقدند تغییر سیاست های کلان کشور کارآمدترین راه حل برای عبور از مشکلات است» و بیش از نیمی از جامعه چشم انتظار ورود رهبری جدید برای ایجاد این تحولات ساختاری هستند.

این آمار بیامی روشن به همراه داده های اینکه جامعه خواهان بازنگری

در شیوه حکمرانی است. اسناد سیاسی و دو قطبی سازی های کاذب و حاشیه راندن بخش های وسیعی از جامعه مدنی، تنها به انباشت نارضایتی ها دامن زده است. رئیس سازمان امور اجتماعی کشور به درستی رسالت وزارت کشور را ایجاد فضای آرام برای ابراز دیدگاه های مختلف می داند؛ جایی که مخالفان نیز بتوانند به عنوان شهروندانی ذی حق، بدون لگنت نظر خود را بیان کنند. اگر فضای گفت و گو واقعی شکل نگیرد و پنجره های مشارکت مدنی (مانند تسهیل واقعی مجوز تشکیل های مردمی) باز نشود، خروجی طبیعی آن قهر سیاسی و تعمیق شکاف ملت دولت خواهد بود.

یادآوری نظم اجتماعی در گرو اصلاحات شجاعانه

یکی از جلوه های عقلانیت جامعه ایرانی در این پیمایش، مخالفت بخش قابل توجهی از مردم با برهم خوردن نظم اجتماعی است. جامعه با وجود تمام مرارت های اقتصادی و احساس عمیق بی عدالتی، همچنان به پایداری نظم و آرامش کشور اهمیت می دهد؛ و از هر چو مز گرزان است. این ویژگی، بزرگ ترین فرصت و دستمایه برای حاکمیت است تا دست به اصلاحات ساختاری بزند.

آمارهای وزارت کشور به روشنی اثبات می کند که زمان گذر فترد مانی و تزیق امیدهای تصنعی گذشته است. راه بازسازی اعتماد عمومی و احیای احساس عدالت، در پذیرش واقع گرایی، تنش زدایی پایدار در سیاست های کلان، به رسمیت شناختن حقوق مخالفان و گشایش شجاعانه فضای سیاسی و اجتماعی است. جامعه ایرانی نشان داده که به کشورش دلبسته است؛ حال نوبت حکمرانان است که نشان دهند صدای این رنگ خطر رسمی را شنیده اند، پیش از آنکه فرصت های اصلاح ساختاری برای همیشه از دست بروند.

گزارش رسمی وزارت کشور از افت سرمایه اجتماعی، کاهش امید به آینده و احساس گسترده بی عدالتی، تصویری نگران کننده از وضعیت روانی و اجتماعی جامعه ایران ارائه می دهد؛ آماری که نشان می دهد فاصله میان جامعه و ساختار حکمرانی به یکی از مهم ترین چالش های کشور تبدیل شده است.

به گزارش رویداد ۲۴، یوبایی و بقای هر ساختار سیاسی، پیش از آنکه به متغیرهای سخت قدرت وابسته باشد، در گرو میزان امید شهروندان به فردا و اعتمادی است که به کار آمدی نظام حکمرانی دار ند. هر گاه شاخص های ذهنی جامعه حکایت از تیره شدن افق های پیش رو داشته باشند، نمی توان به سادگی از کنار آن گذشت؛ به ویژه زمانی که این هشدارها نه از سوی منتقدان گوشه نشین، بلکه از درون ستاد مدیریت اجتماعی کشور و بر اساس پیمایش های ملی وزارت کشور صادر شده باشد. نشست خبری اخیر سید محمدطیحا، معاون وزیر کشور و رئیس سازمان امور اجتماعی کشور، پرده از واقعیت هایی تکان دهنده برداشت که نشان می دهد فرسایش سرمایه اجتماعی در سطح کلان به مرحله ای بحرانی رسیده است. گزاره های آماري این گزارش رسمی، به خودی خود صریح و بی پرده هستند. بطحا، با استناد به یافته های پیمایش سال ۱۴۰۴ هشدار می دهد که شاخص سرمایه اجتماعی در یک دهه گذشته از عدد ۴۳٫۵ در سال ۱۳۹۴ به ۲۶٫۶ در سال ۱۴۰۴ سقوط کرده است. متأسفانه ۶۰ درصد از مردم امید به بهبود شرایط آینده ندارند و تنها حدود ۲۵ درصد جامعه احساس عدالت و برابری می کنند؛ داده هایی که زنگ خطری جدی وعیان برای کشور است.

این اعتراضات رسمی، توصیف عبران جامعه ای است که میان صخره های نابرابری و دیوارهای بلند اسناد اقتصادی و سیاسی گرفتار شده است. تحلیل این داده ها در سه ساختار اقتصادی، اجتماعی و سیاسی عمق تغییر فاز روان شناسی اجتماعی ایران را آشکار می سازد.

خط قرمز تحمل معیشتی و مرگ انگیزه های یوبایی

از منظر اقتصاد سیاسی، رابطه مستقیمی میان «امید به آینده» و «عقلانیت اقتصادی» وجود دارد. وقتی در گزارش رسمی وزارت کشور آمده است که «۶۰ درصد مردم امید به بهبود شرایط آینده ندارند» و تکان دهنده تر از آن، «۶۰ درصد مردم اعلام کرده اند که دیگر تحمل فشار اقتصادی بیشتر را ندارند»، یعنی جامعه به آستانه فرسودگی کامل معیشتی رسیده است.

در یک دهه گذشته، تورم های ساختاری و کاهش بی دربی ارزش پول ملی، فرمول عدالت تلاش پاداش را در ذهن شهروندان نابود کرده است. وقتی طبقه متوسط و نیروی کار متخصص متوجه می شود که حتی با کار چندشغله و تحصیلات عالی توانایی تأمین حداقل های یک زندگی آبرومند (مانند مسکن و معیشت) را ندارد، موتور محرک اقتصاد قفل می کند. پیامد مستقیم این بی افقی، توده ای شدن مهاجرت نخبگان، فرار سرمایه ها و تغییر رفتار جامعه از تولید به سمت سوداگری های کوتاه مدت است. بدنه اجتماعی عملاً حس می کند که تصمیمات اقتصادی کلان بدون پیوست های حمایتی اتخاذ می شوند؛ هشدار ی که بطحا، یکی از نخبه ترین اعضای کمیته ملی سیاست گذاران در هر تصمیمی یابد بداند که تاب آوری اقتصادی جامعه به پایان رسیده است.

پناه بردن به پیوندهای خرد در سایه فروپاشی احساس عدالت

یکی از کلیدی ترین بخش های این پیمایش، سهم ناچیز ۲۵ درصدی کسانی است که در جامعه احساس عدالت و برابری دارند. این عدد به زبان جامعه شناسختی یعنی سه چهارم مردم احساس می کنند در فضایی آمیخته با تبعیض، نابرابری و توزیع رانتی فرصت ها زندگی می کنند. در مدیریت کلان،